

ذبح و شکار، از منظر حقوق حیوانات در فقه شیعه

دکتر سید محمد جواد وزیری فرد / عضو هیئت علمی دانشگاه قم
احمد اولیایی / کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

چکیده

در اسلام، ذبح و شکار برخی حیوانات و با شرایطی خاص جایز است؛ اما اینکه ذبح و شکار حیوان به ظاهر حقوق حیوانات را از بین می‌برد، باعث شده است برخی اسلام را ناقض حقوق حیوانات بدانند؛ در حالی که اسلام نه تنها ناقض حقوق حیوانات نیست، بلکه توصیه‌ها و دستورهایی که فقه شیعه در این زمینه دارد، حقوق حیوانات را بیش از پیش اثبات می‌کند.

در این مقاله با توجه به ادله قطعی و آیات و روایاتی که خواهد آمد، جواز ذبح و شکار اثبات می‌شود؛ و در کنار آن، روش و چگونگی ذبح و صید حیوان به گونه‌ای که مؤید حقوق حیوانات است، بیان خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: حقوق حیوانات، فقه شیعه، حق حیات حیوان، ذبح، صید و شکار.

مقدمه

انسان از ابتدای پیدایش، بنا بر غرایز خود، برای حفظ بقا و رفع نیازهای خویش به هر طریقی، به تلاش پرداخت.

یکی از این نیازها، تهیه غذا برای رفع گرسنگی بود. او پس از شناخت موجودی به نام حیوان، فهمید که نه تنها از گوشت آن برای سیر کردن خود، بلکه از پوست و پشم آن نیز برای پوشش خویش می‌تواند بهره‌برداری کند. چنین بود که کشتن حیوانات آغاز شد.

همان‌گونه که پس از گذشت زمان و تشکیل زندگی اجتماعی انسان‌ها و ایجاد روابط متقابل بین آنها، بشر به فکر بحث و گفت‌وگو پیرامون حقوق انسان‌ها افتاد و انواع ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها را درباره انسان نقض حقوق بشر نامید، کم‌کم حقوق حیوانات را نیز کانون توجه خود قرار داد و قوانینی در این باب وضع کرد. در قرآن کریم نیز خداوند اصل استفاده انسان از مخلوقات دیگر را به این بیان مجاز می‌شمرد:

﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (جاثیه، ۱۳)

«و او آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، همه را از سوی خود مسخر شما ساخته است. در این نشانه‌های مهمی است برای کسانی که اهل فکرند». از جمله مخلوقاتی که برای آرامش و حیات انسان خلق شده‌اند حیوانات‌اند. خداوند می‌فرماید:

﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ (غافر، ۷۹)

«خداوند کسی است که چهارپایان را برای شما آفرید تا برخی را سوار شوید، و از برخی تغذیه کنید».

اما نگرش غلط و گاه مغرضانه به منابع اسلامی باعث شده است برخی تصور کنند که اسلام هیچ‌گونه حقوقی را برای حیوانات قایل نشده است و هرگونه بهره‌برداری از آنان را اجازه می‌دهد. ایشان حتی به ذبح شرعی نیز ایراد می‌گیرند و می‌گویند: حیوان در این نوع کشتار زجر می‌بیند.

این درحالی است که فقه شیعه، افزون بر اینکه هرگونه بهره‌برداری را از حیوانات جایز نمی‌داند، بیش از هر قانون‌گذار دیگری حقوقی را برای حیوانات تعریف کرده است و در ذبح و شکار نیز که به‌ظاهر حق حیات حیوانات را نقض می‌کند، توصیه‌ها و دستورهایی در حفظ حقوق آنها دارد.

تعریف حق

در لغت

در لغت، معانی متعددی برای حق ذکر شده است؛ از جمله، درست کردن سخن، درست کردن وعده، یقین کردن، ثابت شدن، غلبه کردن به حق، موجود ثابت، و نامی از نام‌های خداوند. (دهخدا، ج ۶، ص ۹۱۴۲، ذیل واژه حق) //منجد نیز معانی حق را چنین بیان کرده است؛

ضد باطل، عدل، مال و ملک، حظ و نصیب، موجود ثابت، امر مقضی، جزم، سزاوار. (معلوف، ۱۳۷۸، ج ۱، ذیل واژه حق)

حق، مصدر است و معنای وجوب و ثبوت دارد و معمولاً به معنای وصفی یعنی واجب و ثابت به‌کار می‌رود. «حق الامر»، یعنی آن امر واجب و ثابت شد؛ و «حق لک و یحق لک و حق علیک ان تفعله»، یعنی انجام آن فعل بر تو واجب گردید. (وجدی، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۴۶۵)

طبرسی می‌گوید:

«الحق وقوع الشيء فی موضعه الذی هو له، فاذا اعتقد شيء بضرورة او حجة فهو حق؛ لأنه وقع موقعه الذی هو له وعكسه الباطل». (طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۵۲۰)، یعنی حق عبارت است از وقوع شيء در جایگاه خودش. هرگاه به‌سبب هدایت یا برهان، اعتقاد به چیزی پیدا شود، حق است؛ چراکه در جایگاه خود واقع شده. و ضد آن، باطل است.

در اصطلاح

حق، نزد فقها و عالمان حقوق، به دو معنا آمده است: گاهی در مقابل حکم، و گاهی اعم از آن.

در معنای اول، هم سلطه لحاظ شده و هم قابل اسقاط و نقل و انتقال است. میرزای نائینی در تعریف حق می‌نویسد: «حق عبارت است از سلطه ضعیف بر مال یا منفعت». (نائینی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶)

و گفته شده است: «حق، نوعی سلطنت بر چیزی است که گاه به عین تعلّق می‌گیرد؛ مانند: حق تحجیر، حق رهن و حق غرما در ترکه میت؛ و گاهی به غیر عین تعلّق می‌گیرد؛ مانند حق خیار متعلّق به عقد. گاهی سلطنت، متعلّق بر شخص است؛ مانند حق حضانت و حق قصاص. (طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۵۴)

همچنین آمده است: «حق عبارت است از قدرت یک فرد انسانی مطابق با قانون بر انسان دیگر، یا بر یک مال و یا بر هر دو؛ اعم از این که مال مذکور مادی و محسوس باشد، مانند خانه یا نباشد، مانند طلب». (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۱، ص ۱۵)

شیخ انصاری رحمته الله علیه می‌فرماید: «حق، عبارت است از نحوه‌ای از سلطه و توانایی که در پرتو آن، صاحب حق می‌تواند مصلحتی را برای خود به دست آورد». (انصاری، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۲۰)

آخوند خراسانی رحمته الله علیه می‌گوید: «حق، اعتباری خاص و اضافه‌ای ویژه است که از حکمی وضعی یا تکلیفی و منشأ دیگر، انتزاع می‌شود؛ نظیر حق تصرف و بهره‌برداری از ملک، که از ملکیت انتزاع می‌شود؛ و حق الماره (حق رهگذر) که از اباحه خوردن میوه‌های باغی که از کنار آن عبور می‌کنند، مستفاد می‌گردد». (آخوند خراسانی، ۱۴۱۰، ص ۲۲۴)

آیت‌الله خویی رحمته الله علیه بر این اعتقاد بودند که ملکیت عبارت است از قدرت و سلطنت عام؛ ولی حق، سلطنتی است خاص. (خویی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۶)

دکتر ناصر کاتوزیان نیز معتقد است: «حق، امتیاز و نفعی است که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت، از آن حمایت می‌کند و به او نوعی تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد». (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۳۷۴)

یا «سلطه و اختیاری است که حقوق هر کشور به منظور حفظ منافع اشخاص به آنها می‌دهد». (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱)

تفاوت حق در انسان‌ها و حیوانات

آیا حقوق در حیوانات، مانند حقوق در انسان‌هاست یا آن دو تفاوت ماهوی یا مصداقی باهم دارند؟ آنچه می‌توان به‌عنوان تفاوت اصلی این دو بیان کرد، قابل اسقاط بودن از جانب صاحب حق است. انسان به‌عنوان صاحب حق می‌تواند حق خود را اسقاط کند؛ اما حیوانات این قدرت را ندارند. در نتیجه، همین عدم قدرت اسقاط، این حق را تبدیل به حکم کرده، قدرت اجرایی آن را بیشتر خواهد کرد؛ و فقط با اتیان و انجامش می‌توان از عهده آن خارج شد.

پس هیچ انسانی نمی‌تواند ادعا کند که حیوانی حق خود را اسقاط کرده و او بر همین اساس با آن حیوان چنین کرده است؛ چراکه حقوق حیوانات، قابل اسقاط نیست.

مبانی حقوق در حیوانات

۱. ذی شعور بودن حیوانات

آیات و روایات بسیاری، بر شعور و فهم موجودات و جهان هستی دلالت دارند؛ هرچند ما انسان‌ها به دلایل مختلف قادر به درک کامل آن نیستیم؛ چراکه بر اثر گناه‌ها و عوامل دیگر، پرده غفلت چشمان ما را پوشانده است و اجازه نمی‌دهد آنچه را در جهان هستی اتفاق می‌افتد، ببینیم.

آیاتی که از تسبیح همه موجودات سخن می‌گویند، بر همین مطلب دلالت دارند؛ چراکه تسبیح شیء، دال بر درک و شعور اوست:

«تَسْبِيحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (اسراء، ۴۴)

«آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و کسانی که در آنها هستند، همه تسبیح او می‌گویند؛ و هر موجودی تسبیح و حمد او می‌گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید. او حلیم و آمرزنده است.»

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَفَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (نور، ۴۱)

«آیا ندیدی که برای خدا تسبیح می‌کنند، تمام آنان که در آسمان‌ها و زمین‌اند و همچنین پرندگان، هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده‌اند؟ هریک از آنها نماز و تسبیح خود را می‌دانند؛ و خداوند به آنچه انجام می‌دهند، عالم است».

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾ (حج، ۱۸)

«آیا ندانستی خداست که هرکس در آسمان‌ها و هرکس در زمین است و خورشید و ماه و [تمام] ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می‌کنند؟ و بسیاری‌اند که عذاب بر آنان واجب شده است و هرکه را خدا خوار کند، او را گرمی‌دارنده‌ای نیست؛ چراکه خدا هرچه بخواهد، انجام می‌دهد». حیوانات نیز از این عمومیت مستثنا نیستند و در حال تسبیح پروردگار خویش‌اند و در نتیجه، درک و شعور دارند.

در ادامه روایات متعددی که به درک و شعور حیوانات اشاره دارند، خواهد آمد.

ابی‌عبدالله علیه السلام می‌فرماید:

«مهما أبهم على البهائم من شيء فلا يبهيم عليها أربعة خصال: معرفة أن لها خالقاً ومعرفة طلب الرزق ومعرفة الذكر من الانثى ومخافة الموت»؛ (عاملی، ۱۳۸۳، ج ۱۱، ح ۱۵۳۱۵)

(هنگامی که خداوند حیوانات را آفرید)، شعور انسانی را به آنها عطا نکرد؛ ولی چهار خصلت را به آنها عنایت فرمود: شناخت به اینکه برای آنها خالق است؛ آگاهی به اینکه دنبال رزق و روزی بروند؛ شناخت نر از ماده؛ و ترس از مرگ.

این معرفت که در روایت آمده، ناظر به همان درک و شناخت و شعوری است که مطلوب ماست. قریب به همین مضمون، در روایت علی‌بن‌رثاب از ابی‌حمزه از امام سجاد علیه السلام (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۵۴۷) نقل شده است. در ادامه باتوجه به این روایت، به شرح و ذکر مصادیقی از درک حیوانات می‌پردازیم:

۱. معرفت به خداوند

همان‌گونه که روایت قبل، معرفت به خالق را نخستین معرفت معرفی کرد، روایت امام سجاد علیه السلام نیز ابتدا معرفت حیوان به پروردگار خویش را بیان می‌دارد:

«معرفتها بالرب تبارک وتعالی»؛ (صدوق، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۸۸)

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: همه حیوانات در هر صبحگاهی از خداوند می‌خواهند:

«اللهم ارزقنی ملیک صدق یسبعنی ویسقینی ولایکلفنی ما لا أطاق»؛ (همان، ص ۲۸۹)
بارالها! به من مالک خوب و درستی عطا فرما که مرا سیر و سیراب نماید و بیش از توان از من کار نکشد.

اینکه حیوانات خدای خویش را خطاب قرار می‌دهند و از او طلب رزق و روزی می‌خواهند، نشان از معرفت آنها به خداوند و رب خویش دارد.

آیاتی نیز که در ابتدا درباره تسبیح موجودات ذکر شد، شاهد بر معرفت حیوانات به خداوندند. در برخی از روایات که بعد خواهد آمد، همین تسبیح خدا دلیل نهی پیامبر صلی الله علیه و آله از زدن حیوان است. البته برخی از مفسران، تسبیح حیوانات را به تسبیح تکوینی آنها تفسیر کرده‌اند؛ به این معنا که خلقت آنها نشانه‌ای از تنزیه و تقدیس الهی است که در غایت کمال بوده و مانند مخلوقات خود، نقص ندارد. (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۵۱۷)

۲-۱. معرفت به نیکی و بدی و مسائل ماورایی

همان‌گونه که انسان مسائل ماورایی و غیرمادی را می‌فهمد و به آنها واکنش نشان می‌دهد، حیوانات نیز چنین فهمی دارند، حیوانات، رفتار صاحبشان و یا هر انسانی را با خودشان درک می‌کنند و متناسب با خوبی یا بدی آن رفتار، واکنش نشان می‌دهند. از همین روی، در روایت یاد شده (صدوق، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۸۹) از خداوند صاحبی را می‌طلبد که با آنها خوش‌رفتار باشد.

حیوانات، همان‌گونه که اخلاقیات را می‌فهمند، مسائل غیرمادی و ماورایی را نیز درک می‌کنند.

از جمله مواردی که بر درک مسائل غیرمادی حیوانات دلالت می‌کند، آگاهی آنها بر مرگ است؛ چنان‌که در روایت امام سجاد علیه السلام آمده است:

«معرفتها بالموت»؛ (همان)

آن‌ها می‌دانند که معاد و آخرت و مرگی هست؛ هرچند با توجه به فرمایش امام صادق علیه السلام آگاهی آن‌ها بمانند معرفت انسان‌ها به مرگ نیست:

«لو عرفت البهائم من الموت ما تعرفون ما أكلتم منها سميناً قط»؛ (همان)

اگر آگاهی حیوان از مرگ، همانند آگاهی شما انسان‌ها می‌بود، هیچ‌یک از آنها هرگز چاق و فربه نمی‌شدند.

شیخ صدوق در ذیل این روایت، تعارض ظاهری میان این روایت و روایت اول را رفع می‌کند و می‌گوید: مراد این است که آگاهی آنها به اندازه آگاهی شما نیست. حیوانات، افزون بر اطلاع از مرگ، مسائلی را می‌بینند که انسان‌ها توانایی دیدن آنها را ندارند. (عاملی، ۱۳۸۳، ج ۱۱، ص ۴۸۰، ح ۷) همین امر، در برخی روایات، به‌عنوان علت راه نرفتن حیوانات و سر باز زدن آنها از حرکت ذکر شده است.

۲-۱-۱. حشر حیوانات و تکامل آنها در آخرت

اگر قایل شویم که حیوانات نیز مانند انسان‌ها محسوس می‌شوند، باید لوازم آن را نیز بپذیریم. یکی از لازمه‌های حشر، داشتن ادراک و شعور، و تشخیص خیر و شر است. قرآن در دو آیه، حشر حیوانات را بیان می‌کند:

﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾ (تکویر، ۵)

«و در آن هنگام که وحوش جمع شوند».

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ (أنعام، ۳۸)

«هیچ جنبنده‌ای در زمین و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست؛ مگر اینکه امت‌هایی همانند شما هستند. ما هیچ‌چیز را در این کتاب فروگذار نکردیم. سپس همگی به‌سوی پروردگارشان محسوس می‌شوند».

مرحوم طباطبایی رحمه الله می‌نویسد:

«تفکر عمیق در اطوار زندگی حیوانی که ما در بسیاری از شئون حیاتی خود با آنها سروکار داریم، و درنظر گرفتن حالات مختلفی که هرنوع از انواع این حیوانات در مسیر زندگی به خود می‌گیرند، ما را به این نکته واقف می‌سازد که حیوانات هم مانند انسان، دارای عقاید و آرای فردی و اجتماعی هستند. حرکات و سکناتی که آنها در راه بقا و جلوگیری از نابود شدن نشان می‌دهند، همه بر مبنای آن عقاید است. در اجتماعات حیوانی هم مانند اجتماعات بشری، فطرتاً ماده و استعداد پذیرفتن «دین الهی» وجود دارد. همان فطرتی که در بشر سرچشمه دین الهی است و وی را برای حشر و بازگشت به سوی خدا قابل و مستعد می‌سازد، در حیوانات نیز هست.» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۱۰۳)

در روایات اسلامی نیز احادیث متعددی در زمینه رستاخیز حیوانات دیده می‌شود:

از جمله در تفسیر المنار روایتی از طریق اهل سنت نقل شده است که پیامبر ﷺ در تفسیر آیه مورد بحث فرمودند:

«ان الله يحشر هذه الامم يوم القيامة ويقتص من بعضها لبعض، حتى يقتص للجماء من القرناء»؛ (رشید رضا، ۱۳۶۶ق، ذیل آیه ۳۸ انعام)

خداوند تمام این جنبندها را در روز قیامت برمی‌انگیزاند و قصاص بعضی را از بعضی می‌گیرد. حتی قصاص حیوانی را که شاخ نداشته و دیگری بی‌جهت به او شاخ زده است، از اولی خواهد گرفت.

همچنین در روایت دیگری آمده است:

«روی عن أبي ذر قال: بينا أنا عند رسول الله صلى الله عليه وآله إذ انتطحت عنزان، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: أتدرون فيما انتطحتا؟ فقالوا: لا ندري، قال: ولكن الله يدري وسيقضي بينهما»؛ (طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۵۰)

از ابوذر رضی الله عنه نقل شده است که گفت: ما خدمت پیامبر ﷺ بودیم که در پیش روی ما، دو بز به یکدیگر شاخ زدند. پیامبر ﷺ فرمود: می‌دانید چرا اینها به یکدیگر شاخ زدند؟ حاضران عرض کردند: نه. پیامبر ﷺ فرمود: اما خدا می‌داند و به زودی در میان آنها داوری خواهد کرد.

حیوانات، رفتار خوب و بد را با هم نوع خود نیز درک می‌کنند و به رفتاری که با حیوانات دیگر می‌شود واکنش نشان می‌دهند؛ و شاید علت اینکه برخی ذبح حیوان در مقابل حیوان دیگر را مکروه (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۳۶، ص ۱۳۷) و حتی بعضی حرام (فاضل هندی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۲۳۵) دانسته‌اند، همین امر باشد، که البته تفصیل آن خواهد آمد.

۳-۱. تشخیص جنسیت

امام سجاد علیه السلام عنایت دیگر خداوند به حیوانات را اعطای درک نسبت به جنس مخالف می‌داند:

«معرفة بالأنثى من الذكر»؛

حیوان، ماده را از نر تشخیص می‌دهد.

۴-۱. معرفت به ارتزاق و گذراندن زندگی

حیوانات نیز مانند انسان‌ها می‌دانند و درک می‌کنند که برای ادامه زندگی، باید به دنبال غذا بروند و به‌قولی امرار معاش کنند. در ادامه روایت چنین آمده است:

«معرفة في طلب الرزق»؛ (صدوق، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۸۸)

حیوان می‌داند که چگونه روزی خود را بیابد.

در حدیث علی بن رثاب از امام سجاد علیه السلام آمده است:

«معرفة بالمرعى عن الخصب». (همان)

حیوان چراگاه را در میان سبزه‌زار تشخیص می‌دهد و می‌داند کجا باید به چرا برود و خود را سیر کند.

۲. محترم بودن حیوانات

فقه شیعه، حیوان را محترم می‌شمارد و پیرو آن، برای او حقوقی را لازم می‌داند.

صاحب جواهر در باب جواز تیمم در صورتی که اندکی آب موجود است و در عین حال حیوان تشنه است، می‌گوید:

«قد يقال إنها نفوس محترمة وذوات أكباد حارة مع حرمة إيذاؤها بمثل ذلك، بل هي واجبة النفقة عليه التي منها السقي، بل في غير واحد من الأخبار المعتبرة ان للدابة على صاحبها حقوقاً منها ان يبدء بعلفها إذا نزل فتحترم لذلك لا من جهة المالية؛ (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۱۱۵)

چه بسا گفته می‌شود حیوانات نفس محترمه‌ای دارند و صاحب جگرهای تشنه‌اند که باید سیرابشان کرد. همچنین اذیت کردنشان به وسیله تشنه نگه داشتن آنها حرام است؛ بلکه نفقه حیوان بر مالک واجب است، که یکی سیراب کردنشان است. در احادیث متعدد و معتبری نیز آمده است: حیوان بر صاحبش حقوقی دارد که از جمله آنها، رسیدگی به آب و غذای حیوان قبل از خودش است. به سبب ادله یاد شده، حیوان دارای احترام است؛ نه اینکه حکم به جواز تیمم، از جهت حفظ مال باشد. ایشان احترام حیوان را نه از این حیث که مال است، بلکه از این حیث که موجودی ذی‌روح و محترم است، می‌داند.

شیخ طوسی رحمته الله نیز در مقام تعلیل بر وجوب نفقه حیوان چنین بیان می‌گوید:

«لأن لها حرمة»؛ (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۴۷)

همچنین علامه حلی (ره) در کتاب / جاره می‌نویسد:

«لان للحیوان حرمة فی نفسه؛ (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۰۷)

۳. دستور به تدبر و تفکر در خلقت حیوانات

آیات و روایات بسیاری به انسان دستور می‌دهد در خلقت جهان هستی، به ویژه حیوانات تدبر و تفکر کند؛

«أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ» (یس، ۷۱-۷۳)

«آیا آنها ندیدند که از آنچه با قدرت خود به عمل آورده‌ایم، چهارپایانی برای آنها آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟ آنها را رام ایشان ساختیم؛ هم مرکب آنان از آن است و هم از آن تغذیه می‌کنند؛ و برای آنان منافع دیگری در آن حیوانات است؛ و نوشیدنی‌های گوارایی. آیا با این حال شکرگزاری نمی‌کنند؟

﴿وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾
(مؤمنون، ۲۱)

«و برای شما در چهارپایان عبرتی است؛ از آنچه در درون آنهاست (شیر) شما را سیراب می‌کنیم و برای شما در آنها منافع فراوانی است؛ و از گوشت آنها می‌خورید».

﴿فَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ (غاشیه، ۱۷)

«آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است».

﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (نحل، ۶۷-۶۸)

«پروردگار تو به زنبور عسل وحی فرستاد که از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که مردم می‌سازند، خانه‌هایی برگزین؛ سپس از تمام ثمرات تناول کن و راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، به‌راحتی بیما. از درون شکم آنها نوشیدنی خاصی خارج می‌شود، به رنگ‌های مختلف، که در آن شفای مردم هست. در این امر نشانهٔ روشنی است برای آنها که اهل فکرند!»

با توجه به مطالبی که از ابتدا تا کنون ذکر شد، به‌ویژه آنچه صاحب‌جواهر در باب محترم بودن حیوانات فرمودند، اصل ذی‌حق بودن حیوانات مشخص شد؛ اما ذکر کامل و تفصیلی این حقوق، فرصتی دیگر می‌طلبد و از حوصلهٔ این مقاله خارج است. پس از پذیرفتن اصل حق برای حیوان، در ادامه به دو بحث ذبح و شکار می‌پردازیم که در این زمینه حقوق حیوان بیش از جاهای دیگر خدشه‌دار می‌شود.

ذبح، شکار و نقض حقوق حیوانات

ذبح و شکار، در نهایت به مرگ حیوان می‌انجامد و حیات او را از بین می‌برد. در نتیجه، ابتدا باید حق حیات حیوان بررسی شود. اینکه آیا چنین حقی برای حیوان ثابت است؟ و در صورت ثبوت، آیا ذبح و شکار حیوان، از موارد جواز اسقاط این حق است یا خیر؟

حق حیات

حق حیات، به دلایل مختلف از کتاب و سنت و عقل برای انسان ثابت شده است؛ اما حق حیات به معنای حق ادامه زندگی و بهره بردن از نعمات خداوندی و به فعلیت رسیدن استعدادها و رسیدن به کمال و غایت زندگی، برای همه موجودات زنده، به ویژه حیوانات، قابل اثبات است؛ چراکه افزون بر ادله‌ای که خواهد آمد، حیوانات نیز استعداد رشد و حرکت به سوی غایت خلقت را دارند.

همین حق حیات داشتن و ذی‌روح بودن حیوانات سبب شده است برخی فقها برای نجات کشتی در حال غرق، وقتی امر دایر بین به آب انداختن وسایل و به آب انداختن حیوانات است، اجازه غرق حیوانات را ندهند.

شهید ثانی در مسالک می‌فرماید:

السفينة إذا أشرفت علي الغرق يجوز إلقاء بعض أمتعتها في البحر، وقد يجب رجاء نجاة الراكبين إذا خفت. ويجب إلقاء ما لا روح فيه لتخليص ذی الروح. ولا يجوز إلقاء الحيوان إذا حصل الغرض بغيره وإذا مست الحاجة إلي إلقاء الحيوان قدمت الدواب لابقاء الادميين؛ (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ج ۱۵، ص ۳۸۳)

هنگامی که کشتی در شرف غرق شدن باشد، به آب انداختن بعضی از وسایل جایز است؛ و برای نجات پیدا کردن ذی‌روح، به آب انداختن آنچه روح ندارد، واجب است. و اگر غرض با به آب انداختن وسایل دیگر حاصل می‌شود، به آب انداختن حیوان جایز نیست؛ و اگر به القای حیوان نیاز پیدا شد، چهارپایان مقدم‌اند.

ادله روایی حق حیات

روایاتی که از کشتن حیوانات نهی کرده، و حق حیات را برای آنها اثبات می‌کنند، دو دسته‌اند: برخی به‌طور عموم، یعنی بدون ذکر نام حیوان خاصی، این نهی را دارند؛ و برخی دیگر با ذکر نام، از قتل حیوانی خاص منع می‌کنند.

الف: روایاتی که به‌طور عموم دال بر منع قتل حیوان‌اند.

روایت اول

«عن النبي ﷺ انه نهى عن قتل كل ذی روح إلا أن يؤذی»؛ (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۳۹، ح ۳۹۹۸۱)

ایشان از کشتن هر موجود داری روح (حیوان) نهی فرمودند؛ مگر آنکه که مودی باشد.

در این روایت، رسول اکرم صلی الله علیه و آله از قتل موجود روح‌دار منع می‌کند و جواز آن را فقط در صورت اذیت و آزار می‌داند.

روایت دوم:

«عنه صلی الله علیه و آله: ما من دابةٍ - طائرٍ ولا غیره - یقتلُ بغيرِ الحقِّ إلّا ستُخاصِمُهُ یومَ القیامةِ. (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۱۹)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر حیوان، پرند یا غیر آن، که به ناحق کشته شود، روز قیامت با قاتل خویش مخاصمه کند.

روایت سوم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لعن الله من اتخذ شیئاً فیهِ الرُّوحُ غرضاً». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۸۲)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند لعنت کرده است کسی را که موجود جان‌داری را مورد هدف قرار می‌دهد.

روایت چهارم

قال الصادق علیه السلام: «أقذر الذنوب ثلاثة: قتل البهیمة، وحبس مهر المرأة، ومنع الاجیر اجرة»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۶۸)

امام صادق علیه السلام فرمود: کثیف‌ترین گناهان سه چیز است: کشتن جان‌دار،^۱ خودداری از پرداختن مهریه زن، و نپرداختن مزد کارگر.

در مجموع روایات یادشده، نهی از قتل بی‌دلیل حیوان وجود داشت. البته روایات بسیار دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که برای رسیدن به مطلوب، بیان همین مقدار کافی ست.

۱. در معنای «بهیمه»، چهارپا نیز آمده است. (المنجد، ذیل کلمه بهیمه).

ب) روایاتی که از قتل حیوان خاصی نهی می‌کنند

روایت اول

قال رسول الله ﷺ: «من قتل عصفوراً بغير حق سأل الله عنه يوم القيامة»؛ (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۳۷، ح ۳۹۹۶۹)

هر که گنجشکی را بدون دلیل بکشد، خداوند در روز قیامت از آن سؤال می‌کند.

روایت دوم:

عن النبي ﷺ أنه قال: «اطلعت ليلة اسرى بي على النار فرأيت امرأة تعذب، فسألت عنها، فقيل: انها ربطت هرة ولم تطعمها ولم تسقها ولم تدعها تأكل من حشائش الأرض حتى ماتت فعذبها بذلك»؛ (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۴۷)

رسول اکرم ﷺ در حدیث معراج نقل می‌فرمایند: زمانی که در شب معراج بر آتش جهنم گذر می‌کردم، زنی را دیدم که عذاب می‌شد. از علت آن سؤال کردم. در پاسخ گفته شد: او زنی بود که گربه‌ای را بسته و محبوس کرده بود و به او غذا و آب نمی‌داد و رهایش هم نمی‌کرد تا از آب و علف زمین چیزی بخورد؛ تا اینکه مرد و جان باخت. پس عذاب او بدین سبب است.

روایت سوم

عن النبي ﷺ: «من قتل عصفوراً عبثاً جاء يوم القيامة يعجّ الى الله تعالى يقول: يا ربّ هذا قتلني عبثاً ينتفع بي ولم يدعني فاكل من حشارة الارض»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۴)

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: کسی که گنجشکی را بیهوده بکشد، آن حیوان در روز قیامت به حضور خدا شکایت می‌کند و می‌گوید: خدایا این شخص من را بیهوده کشت؛ در حالی که هیچ سودی از کشتن من نداشت و رهایم نکرد تا از حشرات زمین تغذیه کنم.

روایت چهارم

أبي الحسن الرضا عليه السلام عن أبيه، عن جده عليه السلام قال: لا تأكلوا القنبرة ولا تسبوها ولا تعطوها الصبيان يلعبون بها فإنها كثيرة التسبيح لله تعالى وتسبيحها لعن الله مبغضی آل محمد عليه السلام؛ (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۶، باب القنبرة، ح ۱)

امام رضا علیه السلام فرمود: مرغ چکاوک را نخورید و به او دشنام و ناسزا نگویید، و او را در اختیار کودکان قرار ندهید تا با او بازی کنند؛ زیرا آن پرنده زیاد تسبیح خدا می‌کند و در تسبیحش بر دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله لعنت می‌فرستد. در این روایت، حتی از سب حیوان نیز منع شده است. پس به‌طریق اولی حق حیات برای او اثبات می‌شود.

روایت پنجم

«مرّ رسول الله صلی الله علیه و آله علی قوم نصبوا دجاجة و هم یرمونها بالنّیل، فقال: من هؤلاء لعنهم الله». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ص ۲۶۷)

رسول خدا صلی الله علیه و آله بر گروهی گذر کرد که مرغ زنده‌ای را هدف قرار داده بودند و به آن تیراندازی می‌کردند. پس فرمود: کیستند اینان؟ خدا لعنتشان کند.

روایت ششم

عن رسول الله صلی الله علیه و آله: «انّه ... و نهی عن قتل النّحل»؛ (همو، ج ۶۱، ص ۲۶۷)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله از کشتن زنبور عسل نهی فرمود.

روایت هفتم

انّ رسول الله صلی الله علیه و آله نهی عن قتل خمسة: الصرد والصوام والهدهد والنّحلة و النملة والضفدع»؛ (همان، ص ۲۶۴)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کشتن پنج حیوان نهی نمود: جغد^۱، هدهد، زنبور عسل، مورچه و قورباغه.

لازم به ذکر است، از روایات یاد شده استفاده‌های بسیاری می‌توان کرد و حقوقی مانند حق بهره‌برداری صحیح، عدم آزار و اذیت حیوانات و حق نفقه را برای آنها به‌دست آورد؛ اما از آنجا که موضوع بحث، فقط ذبح و شکار و حق حیات است، به آنها پرداخته نشده است.

با جمع بین روایات دسته اول و دوم، مشخص می‌شود که حق حیات برای تمام حیوانات ثابت است و برای ازبین بردن آن، نیاز به دلیل موجه است. البته در روایات

۱. علامه مجلسی در ذیل این حدیث می‌فرماید: ظاهراً «صرد» و «صوام» هر دو به یک معنا نیستند.

دسته دوم که نام حیوانات نیز آمده است، به طور قطع حکمتی هست؛ اما با توجه به کثرت این احادیث و ذکر نام بسیاری از حیوانات، و همچنین عموم نهی در روایات دسته اول، مطلوب ما که حق حیوان است، ثابت می شود.

این حق، چنان مستقر است که در تراحم وضو و حیات حیوان، حق حیوان مقدم می شود. اگر آب برای وضو کم باشد، به گونه ای که در صورت انجام وضو، حیوان از تشنگی تلف خواهد شد، حق حیات حیوان اولویت دارد؛ و این مسئله، یکی از موارد جواز تیمم است.

به همین دلیل، شهید ثانی می فرماید:

«أو الخوف من استعماله لمرض حاصل يخاف زيادته أو بطؤه أو عسر علاجه، أو متوقع، أو برد شديد يشق تحمله، أو خوف عطش حاصل، أو متوقع في زمان لا يحصل فيه الماء عادة، أو بقرائن الأحوال لنفس محترمة ولو حيواناً»؛ (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۶۶)

از شرایط جواز تیمم، ترس از عطشی است که برای نفس محترمه ای - گرچه حیوان باشد - به وجود آید یا انتظار می رود به طور معمول یا بر اساس قراین و شواهدی، به وجود آید و در آنجا آبی یافت نشود.

حضرت امام خمینی رحمته الله نیز در زمینه مجوزات تیمم، می فرماید:

«... در عطش که موجب هلاکت است، فرقی نیست بین آنکه خوف هلاکت بر خودش باشد یا دیگری، آن دیگری انسان باشد یا حیوان، مملوک باشد یا غیرمملوک، از آنچه که حفظ آن از هلاکت واجب است...». (خمینی، ۱۳۸۱، مسئله ۶۷۴)

ذبح و نقض حق حیات حیوان

چنان که در مقدمه ذکر شد، انسان برای بقای خود تلاش می کند و برای حفظ حیات خویش، از دیگر مخلوقات خداوند، مانند آب و اکسیژن و حیوانات و گیاهان استفاده می کند؛ و این تراحم در همه طبیعت وجود دارد و این چرخه ارتزاق موجودات از یکدیگر، همیشه حکم فرماست.

همچنین بیان شد که انسان برای تغذیه خود، به گوشت نیاز دارد و هرچند برخی گیاهخواران منکر نیاز بدن به گوشت اند، اما فواید غذایی موجود در گوشت و البته

دیگر فراورده‌های حیوانی، این نیاز را اثبات می‌کند. در قرآن کریم نیز آیات بسیاری بر اصل جواز مصرف گوشت حیوانات حلال گوشت دلالت دارند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ (غافر، ۷۹)

خداوند کسی است که چهار پایان را برای شما آفرید تا برخی را سوار شوید و از برخی تغذیه کنید.

﴿فَكُلُوا مِمَّا ذُكِّرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ﴾ (انعام، ۱۱۸)

و از آنچه نام خدا بر آن گفته شده است، بخورید (اما از گوشت حیواناتی که هنگام سر بریدن، نام خدا بر آن نمی‌برند، نخورید)؛ اگر به آیات او ایمان دارید.

﴿وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ (نحل، ۵)

و چهار پایان را آفرید؛ در حالی که برای شما در آنها وسیله پوشش و منافع دیگر است؛ و از گوشت آنها می‌خورید.

آنچه مهم است، نوع و طریقه کشتار حیوان است که اسلام هرگونه آن را نمی‌پذیرد و فقط ذبح شرعی را موجب حلیت گوشت حیوان می‌شمرد. اما از گوشت حیواناتی که هنگام سر بریدن، نام خدا بر آن نمی‌برند نخورید:

﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهْلُ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ...﴾ (مائده، ۳)

بر شما حرام شده است مردار و خون و گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا کشته شده باشد و [حیوان حلال گوشت] خفه شده و به چوب مرده و از بلندی افتاده و به ضرب شاخ مرده و آنچه درنده از آن خورده باشد؛ مگر آنچه را [که زنده دریافته و خود] سر ببرید...

بحث اصلی این است که ذبح حیوان، به طور مستقیم حیات ظاهری حیوان را از بین می‌برد و همین امر باعث شده است که برخی از کشورهای غربی و مجامع غیراسلامی با ذبح مخالفت کنند و آن را نقض حقوق حیوانات بدانند. از همین روی، ما با ذکر فوایدی از ذبح شرعی، این تناقض ظاهری را رفع می‌کنیم و در ادامه بیان

می‌داریم که دستورهای اسلام در زمینه ذبح، مؤید حقوق حیوانات است، نه ناقض آن.

در ذبح اسلامی، شکافی در عرض یک ثانیه بر روی گردن انجام می‌شود که با یک چاقوی تیز، همه رگ‌های گردن قطع شده و با این عمل، خون‌ریزی به سرعت و ناگهانی اتفاق می‌افتد. در این حالت، به سرعت فشار خون ازدست رفته و مغز دچار فقر خون شده و حیوان هیچ‌گونه دردی را احساس نمی‌کند. در اسلام، مستحب است که سر از بدن جدا نشده، و هنگام ذبح، تا خارج شدن روح از بدن باقی بماند. اگر طناب نخاعی قطع شود، فیبر عصبی که به قلب می‌رود، ممکن است آسیب دیده و سبب توقف فعالیت قلب گردد. بنابراین، ایستایی خون داخل عروق اتفاق می‌افتد. از جنبه علمی، هنگامی که برش در قسمت گردن ایجاد می‌شود، پیام این برش به سرعت به مغز مخابره شده و مغز به دلیل کاهش فشارخون، پیام‌های عصبی را از کانال نخاعی (اتصال سر به نخاع) به قلب می‌فرستد. در این حالت، قلب با فشار بیشتری به عمل تلمبه‌ای خود ادامه داده تا فشار ازدست‌رفته را جبران کند. به این سبب، خون بیشتری از لاشه خارج شده و به دلیل خروج خون بیشتر، گوشتی با ماندگاری طولانی و بهداشتی حاصل می‌شود.^۱

البته این مسئله شاید به حال حیوان ربطی نداشته باشد و فقط برای رعایت سلامت و منافع مصرف‌کننده گوشت، یعنی انسان باشد؛ اما با کمی دقت می‌توان دریافت شاری که ذبح را با این پشتوانه عقلی و علمی - البته تا مقداری که عقل ناقص بشر یافته - حکم کرده است، قطعاً همان‌گونه که رعایت حال انسان را داشته، حال حیوان را نیز رعایت کرده است.

به کار بردن نام خدا در قالب تکبیر واجب قبل از ذبح یا بسمل کردن نیز رموز خاص خود را دارد. چند سال پیش دانشمندی به نام سعد مخلص یعقوب که استاد دانشگاه‌های سوریه و اردن است، طی تحقیقی به روش امروزی مدعی شد که به کار بردن نام خدا قبل از ذبح، باعث خون‌گیری بهتر دام می‌شود. او با محیط‌های کشت

۱. روزبه شباک، «مقایسه ذبح اسلامی و غیراسلامی».

خود که در مستندی در چند شبکه تلویزیونی به نمایش گذاشت، مقایسه‌ای را در میزان رشد میکروب‌های موجود در دام (فلور) و میزان گلبول‌های التهابی بین گوشت حیوان ذبح‌شده با نام خدا و دیگری ذبح‌شده بدون ذکر نام خدا انجام داد. میزان رشد میکروب‌ها و همچنین میزان تراکم گلبول‌های سفید التهابی در محیط‌های کشت و نمونه‌های حیوان ذبح‌شده با نام خدا، به شکل معناداری کمتر از نمونه‌های دیگر بود.^۱

از سوی دیگر، تمام موجودات این دنیای فانی، مرگ را خواهند چشید؛ چه انسان باشد و چه حیوان و چه گیاه؛ اما قطعاً برای حیوانی که می‌توانست به مرگ طبیعی یا بر اثر بیماری یا دریده شدن توسط یک درنده از بین برود، ذبح شرعی برای بقای انسان، با همه فواید پزشکی که برای این نوع ذبح بیان شد، نوعی کمال در مرگ به‌شمار می‌آید و با بررسی تمام شرایط ذبح، که از جمله آنها روبه‌قبله بودن حیوان است، می‌توان به این کمال پی برد. افزون‌براین، دستورهایی که در ادامه در باب ذبح آمده، نشان‌دهنده اهمیت اسلام درباره حقوق حیوانات است.

دستورهای اسلام در ذبح، مؤید حقوق حیوانات

در اسلام دستورها و توصیه‌ها و احکامی در باب ذبح وجود دارد که شارع مقدس با بیان آنها حقوق حیوانات را تأیید و تثبیت کرده است:

۱. منع ذبح در شب

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا﴾ (انعام، ۹۶)

و شب را مایه آرامش قرار داد.

شب مایه آرامش و سکون همه موجودات است و این آرامش نباید از بین برود. ازاین‌رو، ذبح حیوان در شب نهی شده است. شرع مقدس با این ظرافت سعی در حفظ حقوق حیوانات دارد.

صاحب جواهر در این زمینه می‌فرماید:

۱. علی انگالی‌نژاد، «رمز و رازهای ذبح در مقایسه مذاهب و ادیان»،

«وتكره الذبحة ليلاً إلا مع الضرورة لنهي النبي ﷺ عن ذلك، ولقول الصادق عليه السلام في خبر أبان كان على بن الحسين عليه السلام يأمر غلماناً أن لا يذبحوا حتي يطلع الفجر و يقول إن الله جعل الليل سكناً»؛ (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۳۶، ص ۱۳۴)

ذبح در شب مکروه است، به دلیل نهی پیامبر ﷺ از آن، و به دلیل قول امام صادق عليه السلام در خبری که از أبان نقل شده است که: علی بن الحسین عليه السلام به غلام‌هایشان امر می‌کردند تا طلوع فجر ذبح نکنند و فرمودند: خدا شب را مایه آرامش قرار داده است.

۲. عدم ذبح حیوانی در برابر حیوان دیگر

اسلام از ذبح حیوان در برابر چشمان حیوان دیگر به شدت منع کرده است؛ زیرا حیوانات نیز نسبت به یکدیگر فهم و شعور و احساس دارند و شارع از هجمه به این احساسات حیوان، مانع شده است.

در روایت آمده است:

عن أبي عبد الله عليه السلام: انّ امير المؤمنين عليه السلام قال: لا تذبح الشاة عند الشاة ولا الجزور عند الجزور وهو ينظر اليه؛ (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۶، ابواب الذبائح، باب ۷، ح ۱)

امام صادق عليه السلام از امیرالمؤمنین عليه السلام نقل می‌کند که فرمودند: گوسفند در برابر دیدگاه گوسفند دیگر، و شتر در برابر دیدگان شتر دیگر ذبح نمی‌شود.

برخی از فقها مانند یحیی بن سعید، علامه حلی و دیگران، با استناد به روایت فوق، بر کراهت آن تصریح فرموده‌اند. (حلی، ۱۴۰۵، ص ۳۷۴، حلی، ۱۳۸۵، ص ۳۲۲، نجفی، ۱۳۸۶، ج ۳۶، ص ۱۳۷) برخی نیز همانند شیخ طوسی، حکم به حرمت داده‌اند.

شیخ در نهاییه می‌نویسد: «لا يجوز ذبح شيء من الحيوان صبراً وهو أن يذبح شيئاً وينظر اليه حيوان آخر»؛ (طوسی، ۱۳۶۵، ص ۵۸۴)

در شرایع نیز آمده است:

«ويكره أن يذبح حيوان وآخر ينظر اليه؛ (حلی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۰۶)

سر بریدن حیوان، در حالی که حیوان دیگر به او نگاه می‌کند، مکروه است.

به هر حال، چه قایل به حرمت شویم و چه قایل به کراهت، در هر صورت این نهی مصداق بارز رعایت حق حیوان در ذبح است.

۳. منع از کندن پوست حیوان بلافاصله پس از ذبح

حیوان بلافاصله پس از ذبح نمی‌میرد و در این فاصله، یعنی وقتی هنوز روح در بدن حیوان هست، کندن پوست آن یا قطع عضوی از بدن حیوان جایز نیست. بیشتر فقها قایل به کراهت این کار شده‌اند. (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۳۶، ص ۱۲۴؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۱۰) حتی بعضی فقیهان، مانند شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۶۵، ص ۵۸۴)، ابن‌زهره (حلی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۹۷) و شهید (مکی عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۲۵) حکم به حرمت داده‌اند.

فاضل هندی در این زمینه می‌نویسد:

«الأقوی ما اختاره الشهيد من حرمة الفعل...لأنه إیلام للحیوان بلا فائدة وقد نهی عن تعذیب الحیوان؛ (فاضل هندی، ۱۳۸۲، ج ۹، ص ۲۳۵)

اقوی آن چیزی است که شهید اختیار کرده و آن حرمت است....

مرحوم فاضل هندی در تعلیل این حکم می‌فرماید: چون این کار موجب اذیت و آزار حیوان است و از عذاب دادن حیوان نهی شده است.

اگر حیوان پیش از اینکه کاملاً بمیرد، سلاخی شود، گوشتش حلال نیست. دلیل این حکم، روایتی است از امام رضا علیه السلام که به صراحت دلالت بر حرمت می‌کند؛

«إذا ذبحت الشاة وسلخت او سلخ شيء فيها قبل ان تموت لم یحل أكلها؛ (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۳۱۴، باب ۸، ح ۱)

هرگاه حیوانی ذبح شود و همه یا بخشی از آن قبل از مرگ [کامل] حیوان پوست کنده شود، خوردن گوشت آن حلال نیست.

از تمام گفته‌ها و احادیث فوق، تأکید شارع بر عدم آزار و اذیت حیوان و رعایت حق آن به دست می‌آید.

۴. پرهیز از رنج دادن حیوان در ذبح

توصیه‌های بسیاری (طوسی، ۱۳۶۵، ص ۵۸۴) برای ذبح وارد شده است که به‌طور پراکنده به برخی اشاره شد و در ادامه نیز ذکر می‌شود. مجموع این دستورها بیانگر حقوق حیوانات‌اند و از رنج دادن و آزار و اذیت آنها منع می‌کنند.

شهید ثانی پس از ذکر وظایفی که رعایت آنها هنگام ذبح لازم است، (عاملی، ۱۳۸۳، ج ۱۱، ص ۴۱۹) به حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند:

«روی شداد بن اویس ان النبی ﷺ قال: ان الله كتب عليكم الإحسان في كل شيء فإذا قتلتم فأحسنوا القتلة وإذا ذبحتم فأحسنوا الذبحة»؛ (شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۲۴) پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: خداوند احسان در همهٔ امور را بر شما لازم داشته است؛ پس زمانی که حیوانی را ذبح می‌کنید، به‌خوبی ذبح را انجام دهید. فاضل هندی نیز این روایت را در کتاب خود می‌آورد: (فاضل هندی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۲۶)

وعن جعفر بن محمد عليه السلام أنه قال: «إذا أردت أن تذبح ذبيحة فلا تعذب البهيمة. (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۷۴) همچنین صاحب جواهر در کتابش بر همین نکات تأکید کرده است. (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۳۶، ص ۱۳۳)

۵. فلج کردن حیوان پیش از ذبح

در گذشته برای تسریع و راحتی در ذبح، حیوان را به‌طریقی فلج می‌کردند تا تحرک کمتری داشته باشد یا با قطع نخاع حیوان، حرکت او را ازکار می‌انداختند؛ اما چنین روشی، از آن جهت که بسیار ظالمانه و مخالف حقوق حیوانات است، در اسلام نهی شده است.

امام صادق عليه السلام می‌فرمایند: «لا تنزع الذبيحة حتى تموت فإذا ماتت فانزعها»؛ حیوانی را که ذبح می‌کنید، پیش از مرگ قطع نخاع و فلج نکنید؛ و پس از مرگش این کار را انجام دهید. شهید اول در این باره می‌گوید: «یکره أن تنزع الذبيحة»

شهید ثانی در شرح عبارت شهید اول می‌نویسد: «هو أن يقطع نخاعها قبل موتها... و قيل: يحرم؛ لصحیحة الحلبي، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: [لا تنزع الذبيحة حتى تموت فإذا ماتت فانزعها] والأصل في النهي التحريم وهو الأقوى واختاره في الدروس»؛ (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ج ۷، ص ۲۳۰) عده‌ای قایل به حرمت این عمل شده‌اند و دلیل آنها، صحیح حلبی از امام صادق عليه السلام است که می‌فرماید: «حیوانی را که ذبح می‌کنید، پیش از مرگ قطع نخاع

و فلج نکنید و پس از مرگش این کار را انجام دهید؛ و اصل در نهی مذکور در روایت، حرمت می‌باشد.

شهید ثانی این نظر (حرمت) را اقوی می‌داند و می‌فرماید: خود شهید اول در کتاب دروس، قول به حرمت را اختیار کرده است.

شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۶۵، ص ۵۸۴) و فاضل هندی (فاضل هندی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۵۹) نیز قایل به ممنوعیت شده‌اند.

از کلام فقها و حدیث یادشده به‌وضوح برداشت می‌شود که به حق حیوان بسیار اهمیت داده شده است و این دستور اسلام نیز از جمله توصیه‌هایی است که از حقوق حیوانات حمایت می‌کند.

۶. دستور به تیز بودن آلت ذبح

یکی از اوامر شرع در باب ذبح این است که آلت ذبح باید به‌اندازه‌ای تیز باشد که حیوان زجر نکشد و آزار و اذیت نبیند. در روایتی در این باره چنین آمده است:

قال الصادق عليه السلام: «إذا أراد أن تذبح الذبيحة فلا تعذب البهيمة، أحد الشفرة»؛ (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۷۴، ح ۶۲۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، باب سوم از ابواب ذبح، ح ۲) هنگامی که خواستی چهارپا را ذبح کنی، حیوان را عذاب نده و آلت ذبح را تیز کن. همچنین در حدیث دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

انه صلی الله علیه و آله أمر أن تحد الشفار وأن توارى عن البهائم وقال: إذا ذبح أحدكم فليجهز؛ (بیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۸۰)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله دستور فرمود که برای ذبح، چاقو را تیز کنی؛ و از جلوی چشمان دیگر حیوانات دور شوید (و جلوی چشم حیوانی، حیوان دیگر را ذبح نکنید)؛ و فرمودند: زمانی که یکی از شما ذبح حیوانی را انجام می‌دهد، خود را به وسایل مورد نیاز تجهیز کند.

فاضل هندی نیز قریب به همین مطالب را با استناد به روایاتی می‌آورد. (فاضل هندی، ۱۳۸۲، ج ۹، ص ۲۲۶)

۷. با قدرت کشیدن چاقو

در راستای همان دستورهایی که در زمینه حقوق حیوان آمده، گفته شده است: علاوه بر تیز بودن چاقو و تسریع در ذبح، لازم است آلت ذبح با قوت و نیروی تمام کشیده شود تا حیوان سریع تر و به راحتی جان دهد.

شهید در مسالک می‌فرماید:

«ویمّر السکین بقوة»؛ (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۲۸)

چاقو را با قوت بر گلوی ذبیحه بکشد.

۸. تسریع در ذبح

تسریع در ذبح حیوان باعث عدم زجر آن می‌شود و از مصادیق این روایت است: «انّ الله تعالى کتب علیکم الاحسان فی کل شیء... فاذا ذبحتم فأحسنوا الذبحة»؛ (بیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۸۰)

خداوند نیکی کردن و احسان بر هر چیزی را بر شما واجب کرده است... از این رو، هرگاه خواستید حیوانی را ذبح کنید، ذبح را به نیکی انجام دهید. شهید در مسالک، بنا بر همین روایت، قایل به استحباب تسریع در ذبح شده است. (شهید ثانی، همان)

۹. نچرخاندن چاقو در حلقوم حیوان

بعضی در هنگام ذبح، چاقو را در حلقوم حیوان می‌چرخانند که موجب آزار حیوان است و بیشتر فقها قایل به کراهت شده و بعضی نیز آن را حرام دانسته‌اند. (حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۷۴۰)

مستند این فتوا روایتی است که حمران ابن ابی‌اعین از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

«ولا تقلب السکین لتدخلها تحت الحلقوم»؛ (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۲۱۴، باب ۳، ح ۲)

چاقو را جهت داخل کردن در حلقوم، نچرخان.

۱۰. نکشتن حیوانی که ذابح، خودش آن را پرورش داده است

اسلام به انس و الفتی که بین حیوان و صاحبش شکل می‌گیرد، اهمیت می‌دهد و می‌فرماید: ذابح، حیوانی را که خود پرورش داده است، نکشد.

«عن أبي الصحرارى عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قلت له: الرجل يعلف الشاة والشاتين ليضحى بها، قال: لا أحبّ ذلك. قلت: فالرجل يشتري الجمل او الشاة فيتساقط علفه من هيهنا وهيهنا فيجبيء الوقت وقد سمن فيذبحه. فقال: ولكن اذا كان ذلك الوقت فليدخل سوق المسلمين وليشتر فيها ويذبحه»؛ (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۳۷۴، باب ۲۰، ح ۲) ابی‌صحراری به امام صادق عليه السلام عرض می‌کند: شخصی به یک و دو گوسفند علف می‌دهد (آنها را پرورش می‌دهد) تا برای قربانی از آنها استفاده کند. حضرت فرمود: این کار را دوست نمی‌دارم. عرض کرد: شخصی شتر یا گوسفندی را می‌خرد و برای او از اینجا و آنجا علوفه فراهم می‌کند تا اینکه زمان ذبح آن فرا می‌رسد و آنها را سر می‌برد. حضرت فرمود: [چنین نکن] و هرگاه وقت انجام چنین کاری رسید، داخل بازار مسلمانان شود و حیوانی بخرد و آن را ذبح کند.

عاطفه و احساسی که میان حیوان و صاحب دل‌سوز او شکل می‌گیرد، دوسویه است و شارع دوست ندارد این عاطفه نادیده گرفته شود؛ زیرا همان‌گونه که ممکن است صاحب حیوان متألم شود، حیوان نیز رنج بکشد. در روایت ذیل، راوی از نگاه خاص حیوانش هنگام ذبح، برای امام عليه السلام صحبت می‌کند: محمد بن فضیل چنین نقل کرده است:

«قلت له: كان عندي كبش سمنته لأضحى به فلما أخذته فأضجته نظر إليّ فرحمته ورفقت له ثمّ إنني ذبحته، قال: فقال: ما كنت أحبّ لك أن تفعل؛ لا تربين شيئاً من هذا ثمّ تذبحه»؛ (همان، ص ۳۰۸)

به حضرت رضا عليه السلام عرض کردم: من برای قربانی، قوچی را پرورش دادم. چون او را گرفتم و به زمین زدم تا ذبح کنم، نگاهی به من کرد. پس با او مهربانی و مدارا کردم. حضرت فرمود: دوست نداشتم چنین می‌کردی؛ نباید حیوانی را تربیت کنی؛ آن‌گاه سرش را ببری.

صاحب جواهر، به علت قصور سند روایات، قایل به کراهت در این باب شده

است. (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۳۶، ص ۱۳۸)

شکار و نقض حق حیات حیوان

دومین موردی که به طور مستقیم حیات حیوان را نشانه می‌رود و به ظاهر موجب از بین رفتن این حق می‌شود، شکار و صید حیوانات است.

اصل جواز مصرف گوشت حیوانات حلال گوشت گذشت و گفته شد یکی از راه‌های دسترسی به این گوشت، شکار و صید است.

پیش‌تر، اگر این شکار برای تغذیه یا امرار معاش، یعنی فروختن آن غذا باشد، جایز است؛ اما اگر برای تفریح و لهوی باشد، حرام خواهد بود.

قال رسول الله ﷺ: «من قتل عصفوراً عبثاً عجب من الله يوم القيامة منه. يقول: يارب! ان فلاناً قتلني عبثاً ولم يقتلني لمنفعة»؛ (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ح ۳۹۹۷۱)

رسول خدا ﷺ فرمودند: هر کس گنجشکی را بیهوده بکشد، روز قیامت آن گنجشک از او پیش خداوند شکایت می‌کند و می‌گوید: ای پروردگار من! فلانی مرا بیهوده کشت و برای منفعتی مرا به قتل نرساند.

این روایت، حرمت شکار لهوی و تفریحی و جواز شکار عقلایی را می‌رساند.

اما اگر لازمه صید و شکار تفریحی حیوانات، سفر باشد، آن سفر سفر معصیت است و نماز شکارچی یا صیاد شکسته نیست؛ بلکه کامل است؛ و اگر در ماه رمضان باشد، روزه بر او واجب است.

علامه حلی قایل به همین حکم است و می‌گوید:

«عدم قصر الصلاة في المتصيد لهواً دون المتصيد للقوت أو التجارة»؛ (حلی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۰)

نماز در سفر برای صید لهوی و بی‌دلیل، شکسته نیست و کامل است؛ و روزه نیز واجب است؛ اما بنا بر نظر گروهی، کسی که برای غذای خود یا برای امرار معاش و تجارت، صید می‌کند، چنین حکمی ندارد.

ابن سعید حلی (حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۹۱) و صاحب جواهر نیز همین حکم را ذکر فرموده‌اند. (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۱۴، ص ۲۵۷)

حرمت شکار و صید تفریحی، و دستورهای شرع درباره شکار - که در ادامه می‌آید - بر عدم نقض حقوق حیوانات دلالت می‌کند و حمایت اسلام از حقوق حیوانات را نشان می‌دهد.

دستورهای اسلام در شکار و صید، مؤید حقوق حیوانات

در اسلام، همانند ذبح، دستورها، و توصیه‌ها و احکامی در باب صید و شکار وجود دارد که شارع مقدس با بیان آنها حقوق حیوانات را تأیید و تثبیت کرده است:

۱. منع صید در شب

همان آیه ۹۶ سوره انعام که شب را مایه آرامش بیان کرده بود و برای منع ذبح در شب مورد استناد قرار گرفت، در اینجا هم می‌تواند بر منع شکار در شب دلالت کند؛ به این بیان که حیوان هم مانند انسان حق استفاده از سکون و آرامش شب را دارد و شکار آن در روز، آن‌هم برای ضرورت‌هایی که ذکر شد، جایز است.

شیخ مفید می‌فرماید:

«ویکره صید الوحش والطائر فی اللیل». (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۵۷۷)

۲. ابرار صید و شکار

همان دستورهای که در باب ذبح گذشت، مانند تیز بودن آلت، با قوت کشیدن آن و تسریع در آن، در اینجا هم قابل استناد است؛ چراکه در شکار و صید هم باید تذکیر وجود داشته باشد؛ و پیرو آن، توصیه‌های وارد شده در ذبح، در صید هم می‌آید.

۳. حرمت شکار جوجه و نوزاد حیوان

شیخ صدوق در این باره می‌گوید:

«لا یجوز أخذ الفراخ من أوكارها فی جبل أو بئر أو أجمة حتی تنهض»؛ (صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۷۹)

شکار نوزاد حیوانات از لانه‌هایشان در کوه یا چاه یا نزار، تا زمانی که قادر به پرواز نباشند، جایز نیست.

شیخ مفید نیز می‌فرماید:

«ولا یجوز أخذ الفراخ من أوكارها»؛ (مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۵۷۷)

گرفتن جوجه‌ها از آشیانه‌هایشان جایز نیست.

برخی از فقها نیز در صورت صید جوجه‌ای که قدرت بر فرار ندارد، گوشت آن را حرام می‌دانند. (حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۷۳۸)

۴. حرمت شکار در حال احرام

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ﴾ (مائده، ۹۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شکار را در حال احرام به قتل نرسانید.

عن أبي عبد الله عليه السلام قال لا تستحلّ شياً من الصيد وأنت حرام؛ (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ابواب تروک احرام، ح ۱)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: در حالیکه مُحَرَّم هستید، هیچ صیدی را برای خود حلال نشمارید.

احادیث بسیاری بر حرمت شکار در حال احرام دلالت می‌کنند و حتی برخی، ادعای اجماع در این حرمت کرده‌اند. (نجفی، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۲۸۶)^۱

به نظر می‌آید که این حرمت، بیشتر برای رعایت حال احرام است؛ اما با بیان اندکی از فلسفه تحریم صید در حال احرام، پی به اهمیت حقوق حیوانات نزد شارع مقدس می‌بریم.

آیت‌الله مکارم شیرازی در این زمینه می‌گوید:

در فلسفه تحریم صید در حال احرام آمده است که در مراسم حج و عمره، انسان به یک نوع ریاضت مشروع الهی دست می‌زند و به نظر می‌رسد که تحریم صید در حال احرام، به همین منظور است. از این گذشته، با توجه به این، اگر صید کردن برای زوار خانه خدا کار مشروعی بود، این همه رفت و آمدی که هر سال به این سرزمین‌های مقدس می‌شود، نسل بسیاری از حیوانات در آن منطقه - که به حکم خشکی و کم آبی، حیواناتش نیز کم است - پرچیده می‌شد و این دستور، نوعی حفاظت و ضمانت برای بقای نسل حیوانات آن منطقه است. مخصوصاً با توجه به اینکه در غیر حال احرام نیز صید حرام و همچنین کندن درختان و گیاهان آنجا ممنوع است، روشن می‌شود که این دستور، ارتباط نزدیکی با مسئله حفظ محیط‌زیست و نگهداری گیاهان و حیوانات آن منطقه از نابودی و فنا دارد. این حکم، به قدری دقیق تشریح شده که حتی کمک کردن و نشان دادن و ارائه صید به صیاد نیز تحریم گردیده است. (مکارم شیرازی، ج ۵، ص ۸۸)

۱. قال صاحب الجواهر: «بلا خلاف اجده فی شیء من ذلک بیننا بل الاجماع».

نتیجه

پس از اثبات حق حیات برای حیوانات با استناد به آیات و روایات، بیان شد که برای ذبح و شکار - که حیات حیوان را از بین می‌برد - مجوز شرعی وجود دارد و نه تنها این مجوز شرعی نقض حقوق حیوانات نیست، بلکه قانونی است که در عین سازگاری با طبیعت و نیازهای بشری، نوعی کمال شمرده شدن برای حیوان، توأم با دستورهای از طرف شارع است و شرع به بهترین نحو، از حقوق حیوانات حمایت می‌کند. البته اصل استفاده از حیوان، فقط در صورت رعایت شرایط خاص ذبح و شکار میسر است؛ و پس از بیان کلام فقیهان که مستند به روایات متعدد و صحیح‌السند متواتر بود، توصیه‌ها و دستورهای متعددی در باب ذبح و شکار و صید اثبات شد که همگی مؤید حقوق حیوانات‌اند.

فهرست منابع

* قرآن كريم.

۱. ابن بابويه قمی، ابوجعفر محمدبن علی (شيخ صدوق)، الهداية، قم، مؤسسة الامام الهادی، ۱۴۱۸ق.
۲. _____، من لا يحضره الفقيه، ترجمة سيدصدرالدين بلاغی، دار الكتب الاسلامية، ۱۳۸۸.
۳. اصفهانی، محمدبن حسن ملقب به فاضل هندی، كشف اللثام عن قواعد الاحكام، قم، جامعة مدرسين حوزه علمیه، ۱۳۸۲.
۴. انصاری، مرتضی، المكاسب، ج ۴، قم، جامعة النجف الدينية، ۱۳۹۲ق.
۵. آخوند خراسانی، محمدکاظم، درر الفوائد فی الحاشية علی الفراید (حاشية آخوند)، تهران، مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۶. العبکری، ابی عبدالله محمدبن محمدبن نعمان، المقنعة، قم، انتشارات جامعة مدرسين، ۱۴۱۰ق.
۷. بیهقی، أبی بکر احمدبن الحسين بن علی، السنن الكبرى، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۴ق.
۸. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد بن منصور، دعائم الاسلام، چاپ دوم، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۳۸۵ق.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۱.
۱۰. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة، ج دوم، قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۱۱. حلبی، عزالدین حمزة بن علی بن زهرة، غنية النزوع فی علمی الاصول والفروع، قم، مؤسسة امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۸ق.
۱۲. حلبی، ابن ادريس، السراير، ج ۲، چاپ دوم، قم، جامعة مدرسين، ۱۴۱۰ق.
۱۳. حلبی، حسن بن یوسف، قواعد الاحكام، قم، جامعة مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵.
۱۴. حلبی، نجم الدین جعفر بن الحسن، شرايع الاسلام، ج ۳، چاپ سوم، قم، اسماعیلان، ۱۴۰۹ق.
۱۵. حلبی، یحیی بن السعيد، الجامع للشرايع، قم، مؤسسة سيدالشهدا، ۱۴۰۵ق.
۱۶. خمینی، روح الله، رسالة توضیح المسائل، مشهد، هاتف، ۱۳۸۱.
۱۷. خوئی، سيد ابوالقاسم، مصباح الفقاهة فی المعاملات، چاپ دوم، قم، سيدالشهداء، ۱۳۷۸ق.
۱۸. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، چاپ دوم، قاهره، ۱۳۶۶ق.
۱۹. شببانی، احمد بن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ق.
۲۰. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعة مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶.
۲۱. _____، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى، بيروت، دار الكتاب، ۱۳۹۰ق.
۲۲. طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۸۴.
۲۳. طوسی، ابن حمزه، الوسيلة الى نيل الفضيلة، قم، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۵.

۲۴. طوسی، محمدبن حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، تهران، ذوی القربی، ۱۳۸۸.
۲۵. _____، **تذکره الفقهاء**، قم، مؤسسه آل‌البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۲۶. عاملی، زین‌الدین بن علی بن احمد (الشهید الثاني)، **مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام**، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۸۳.
۲۷. _____، **الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية**، ج ۱، ج دوم، قم، دار التفسیر، ۱۳۸۱.
۲۸. کاتوزیان، ناصر، **المبسوط فی فقه الامامية**، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰.
۲۹. _____، **مبانی حقوق عمومی**، تهران، میزان، ۱۳۸۷.
۳۰. _____، **مقدمة علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران**، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، چاپ سوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.
۳۲. متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام، **کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال**، چاپ دوم، بیروت، انتشارات مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه وفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۴. معلوف، لوییس، **المنجد فی اللغة**، احمد سیاح، ج ۱، چاپ دوم، تهران، اسلام، ۱۳۷۸.
۳۵. مکی عاملی، محمد بن جمال‌الدین (شهید اول)، **الدروس الشرعیة فی فقه الامامية**، قم، انتشارات مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق.
۳۶. نایینی، محمدحسین، **منیة الطالب فی شرح مکاسب**، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۸۵.
۳۷. نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام فی شرح الشرایع الاسلام**، قم، کتاب‌فروشی الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۳۸. وجدی، محمد فرید، **دائرة المعارف**، قاهره، دار المعرفة، ۱۹۷۱م.
۳۹. یزدی طباطبائی، سید محمد کاظم، **حاشیة مکاسب**، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۸.